

هورامی: زبان، گویش یا لهجه و جایگاه آن در میان زبان‌های ایرانی

سید مهدی سجادی (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تهران)

چکیده: مفاهیم زبان، گویش، لهجه و گونه از مفاهیم بنیادین، فنی و پرکاربرد در زبان‌شناسی هستند، اما درباره آنها اتفاق نظر کمی وجود دارد. درباره زبان، گویش یا لهجه بودن هورامی و جایگاه آن در میان زبان‌های ایرانی، به‌ویژه ارتباطش با کردی، نظرات متفاوتی از سوی پژوهشگران ابراز شده است. این تشتت آرا سبب شد تا در این زمینه پژوهش مستقلی انجام گیرد. از آنجایی که تاکنون در این باب تحقیق جداگانه‌ای صورت نگرفته است، پژوهش حاضر بدیع می‌نماید. برای این منظور از دیدگاه زبان‌شناسان بنام و نیز شواهد زبان‌شناختی و تاریخی بهره گرفته شده است. بررسی این دیدگاه‌ها و شواهد نشان می‌دهد که هورامی خود زبانی مستقل و دارای گویش‌ها و لهجه‌های متفاوتی است و به زبان کردی تعلق ندارد. این زبان یکی از زبان‌های ایرانی نو شاخه غربی شمالی است. آنچه سبب شده است برخی آن را زبان یا گویشی کردی بدانند، صرفاً سکونت هورام‌ها و کردها در یک منطقه و نیز برخی تشابهات واژگانی بین این دو زبان ناشی از قرض‌گیری گسترده کردی از هورامی در طول تاریخ بوده است.

کلیدواژه‌ها: زبان، گویش، لهجه، گونه، زبان‌های ایرانی، هورامی، کردی

۱. مقدمه

مفاهیم زبان^۱، گویش^۲، لهجه^۳ و گونه^۴ جزو مفاهیم بنیادین، فنی و دارای کاربرد فراوان در

1. language

2. dialect

3. accent

4. variety

زبان‌شناسی‌اند، با این حال، در میان زبان‌شناسان و صاحب‌نظران اتفاق نظر در این زمینه کمتر دیده می‌شود.

به هورامی^۱، که گورانی نیز نامیده می‌شود، در بخش‌هایی از دو کشور ایران، عراق و ترکیه تکلم می‌شود یعنی جاهایی که به اصطلاح «کردستان» نامیده می‌شود. هورام‌ها و کردها در این منطقه با هم و در کنار هم زندگی می‌کنند. جمعیت گویشوران هورامی حدود شش میلیون نفر تخمین زده می‌شود (گوتتر ۲۰۰۳: ۱۲۱). در مورد زبان، گویش و لهجه بودن هورامی و جایگاه آن در میان زبان‌های ایرانی و به‌ویژه زبان کردی دیدگاه‌های متفاوت و ضدونقیضی وجود دارد. برخی آن را زبانی کردی (هولمبرگ و آدن ۲۰۰۴)؛ برخی دیگر گویشی کردی (نقشبندی ۱۳۷۵؛ رخزادی ۱۳۹۰)؛ و گروهی آن را زبانی جدا و دارای ماهیتی متفاوت از کردی (مینورسکی ۱۹۲۰ و ۱۹۴۳؛ مکنزی ۱۹۶۱ الف، ۱۹۶۱ ب، ۱۹۶۶؛ دبیرمقدم ۱۳۹۲؛ کامبوزیا و سجادی ۱۳۹۲؛ سجادی و کامبوزیا ۱۳۹۳) می‌دانند.

این سردرگمی و تشتت آرا در میان پژوهشگران در باب زبان، گویش یا لهجه بودن هورامی و رابطه آن با کردی سبب شد تا در این مورد پژوهش مستقلی صورت گیرد. از آنجایی که تاکنون تحقیق مستقلی در این زمینه انجام نگرفته است پژوهش حاضر بدیع می‌نماید.

در این مقاله تلاش می‌شود به دو سؤال زیر پاسخ داده شود: (۱) هورامی زبان است یا گویش و یا لهجه؟ (۲) هورامی در میان زبان‌های ایرانی چه جایگاهی دارد و رابطه آن با زبان کردی چگونه است؟ برای این منظور از دیدگاه‌های صاحب‌نظران و زبان‌شناسان و نیز شواهد زبان‌شناختی و تاریخی استفاده می‌شود.

۲. خانوادهٔ زبان‌های ایرانی

زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های ایرانی خانوادهٔ واحدی را تشکیل می‌دهند که از یک اصل مشترک

۱. در میان نویسندگان غربی از اصطلاح «گورانی» (لیزنبرگ ۱۹۹۲: ۶) و در میان نویسندگان فارس از اصطلاح «اورامی» استفاده می‌شود اما در منطقه و میان خود گویشوران اصطلاح «هورامی» به‌کار می‌رود. لازم است میان اصطلاحات «هورامی»، «هورام» و «هورامان/هورامانات» تمایز گذاشته شود؛ هورامی: نام زبان، هورام: کسی که گویشور هورامی است، هورامان/هورامانات: نام منطقه‌ای که هورام‌ها در آن سکونت دارند.

منشعب شده‌اند. به‌بیان دیگر، اگر زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌ها را در یک خانواده واحد دسته‌بندی کنیم، به این نکته اعتراف کرده‌ایم که این زبان‌ها و گویش‌ها از یک منشأ یا ریشهٔ زبانی واحد مشتق شده‌اند. این منبع واحد که تمام زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های ایرانی از آن مشتق شده‌اند به‌طور قراردادی «ایرانی مشترک» نامیده شده است. اشتراک واژه‌های بنیادی و اصول ساخت دستوری این زبان‌ها برهانِ خویشاوندی تباری آنها است. بنابراین تمام زبان‌های ایرانی خویشاوند، قدیم و جدید، مکتوب و غیرمکتوب، با سخنگویان بسیار یا کم تماماً گویش‌هایی‌اند که از ایرانی مشترک مشتق شده‌اند و در جریان تحولی طولانی به‌صورت زبان‌های مستقل درآمده‌اند. شاخهٔ زبان‌های ایرانی در داخل دسته یا خانوادهٔ وسیع‌تری جای می‌گیرد که هندواروپایی نامیده می‌شود. زبان‌های ایرانی از نظر تاریخی و پیدایش دگرگونی در ایرانی مشترک به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱) زبان‌های ایرانی باستان: آغاز هزارهٔ دوم ق.م. یعنی دورهٔ جدایی زبان‌های ایرانی از جامعهٔ آریایی تا قرون چهارم و سوم ق.م. مثل فارسی باستان، اوستایی و مادّی؛ ۲) زبان‌های ایرانی میانه: قرون چهارم و سوم ق.م. تا قرن‌های هشتم و نهم میلادی مثل فارسی میانه (پهلوی)، پارتی، سغدی، خوارزمی، سکایی، بلخی و آلانی؛ ۳) زبان‌های ایرانی نو که از قرن‌های هشتم و نهم میلادی/دوم و سوم هجری شروع می‌شود مثل فارسی نو (دری)، تاجیکی، پشتو، آسی، کردی، بلوچی، تاتی، تالشی، هورامی، گویش‌های سواحل جنوبی دریای خزر، گویش‌های مرکزی و غربی ایران، آذربایجان، فارس و غیره، گویش‌های پامیری، منجی یا منجانی، یغناپی، پراچی، ارموری و کُمزاری.

فرایند ایجاد دگرگونی در ایرانی مشترک زمانی شروع شد که قبایل ایرانی‌زبان در آسیای مرکزی و مناطق مجاور با یک نظام طایفه‌ای و طایفه - قبیله‌ای با هم زندگی می‌کردند. بی‌شک تفرقهٔ قبایل ایرانی دوران باستان، تقسیم آنها به گروه‌های مختلف و استقرار آنها در سرزمین‌های وسیع آسیای مرکزی، فلات ایران و مناطق مجاور، منشأ تقسیم زبان مشترک این گروه‌ها به لهجه‌های مختلف در این دوره است. این فرایند موجب پیدایش قدیمی‌ترین تغییرات و تفاوت‌ها میان گویش‌های گروه‌های مجزای قبایل ایرانی‌زبان است. این تغییرات تعیین‌کنندهٔ تقسیم گویش‌های ایرانی به دو گروه اصلی است: الف) گروه غربی ب) گروه شرقی. می‌توان کویر

نمک را مرز قراردادی میان این دو گروه قرار داد. گویش‌هایی که در شرق کویر واقع شده‌اند، گویش‌های شرقی و آنهایی که در غرب آن قرار دارند گویش‌های غربی نامیده می‌شوند. گویش‌های گروه غربی به دو شاخه تقسیم می‌شوند: الف) گویش‌های جنوب غربی (پارسی) که در جنوب غربی فلات ایران در نزدیکی خلیج فارس (در منطقه فارس) رواج داشته و دارند؛ ب) گویش‌های شمال غربی (مادی) که در شمال و شمال غربی فلات ایران به کار رفته و می‌روند. تمام زبان‌ها و گویش‌هایی که از گویش‌های قدیم گروه شرقی مشتق شده‌اند همراه با زبان‌ها و گویش‌های معاصر، جدا از منطقه کاربرد کنونی آنها در این منطقه یا آن منطقه، گروه شرقی زبان‌های ایرانی را تشکیل می‌دهند. همچنین، تمام زبان‌ها و گویش‌هایی که از گروه جنوب غربی زبان‌های ایرانی مشتق شده‌اند، مستقل از حوزه کنونی رواج آنها، به گروه زبان‌های جنوب غربی تعلق دارند. زبان‌های ایرانی شرقی هم معمولاً به دو شاخه تقسیم می‌شوند: الف) شاخه شمال شرقی (ب) شاخه جنوب شرقی. طبقه‌بندی تاریخی و گویش‌شناختی زبان‌های ایرانی مبتنی بر تاریخ این زبان‌ها است (آرانسکی ۱۳۸۶: ۲۶، ۱۶۴).

ویژگی‌های زبان‌شناختی هورامی در مقایسه با کردی که در بخش (۵) به آنها پرداخته می‌شود بیانگر آن است که برخلاف دیدگاه سنتی، کردی مانند هورامی کاملاً از شاخه غربی شمالی نیست و ویژگی‌های شاخه غربی جنوبی نیز در آن بارز است (نک: گوتتر ۲۰۰۳: ۵۸، ۱۹۱؛ پاول ۲۰۰۳: ۶۱).

۳. زبان، گویش، لهجه و گونه

دیرمقدم (۱۳۸۷: ۱۲۰) بر این باور است که تعاریف زیر را که همسو با آرای زبان‌شناسان و صاحب‌نظران بین‌المللی است می‌توان اجماع جامعه زبان‌شناسی امروزه درباره این مفاهیم دانست:

- ۱) زبان: دو گونه زبانی که سخنگویان آنها فهم متقابل^۱ ندارند.
- ۲) گویش: دو گونه زبانی که سخنگویان آنها فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو

1. mutual intelligibility

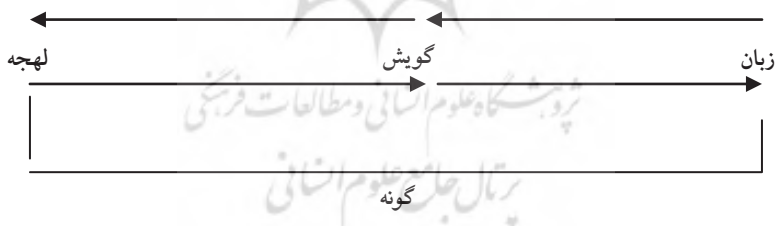
گونه تفاوت‌های آوایی و واجی، واژگانی و دستوری مشاهده می‌شود.

۳) لهجه: دو گونهٔ زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه فقط تفاوت‌های آوایی (واجی) دیده می‌شود.

۴) گونه: اصطلاحی خنثی است که همچنان‌که در تعریف «زبان»، «گویش» و «لهجه» مشاهده می‌کنیم می‌توان آن را به‌عنوان اطلاقی کلی به‌کار برد.

میان مفهوم «زبان» و «گویش» یک رابطهٔ دیالکتیکی وجود دارد. شاخه‌شاخه شدن و پیدایش تفاوت میان دو زبان یک قبیله یا ملت که در اصل یک زبان واحد است منجر به تشکیل گویش‌ها می‌شود. باین‌همه، در شرایط تاریخی معینی هریک از این گویش‌ها می‌تواند منشأ پیدایش زبانی مستقل شود. این زبان نیز به‌نوبهٔ خود می‌تواند به گویش‌های متفاوت متحول شود و غیره (ارانسکی ۱۳۸۶: ۲۸).

تعاریف بالا از زبان، گویش و لهجه حاکی از وجود رابطه‌ای سلسله‌مراتبی و دال و مدلولی در میان این مفاهیم است، به این معنی که وجود هرکدام از آنها بر وجود دیگری دلالت می‌کند. این رابطه را می‌توان به‌شکل نمودار زیر نشان داد:



نمودار رابطهٔ سلسله‌مراتبی و دال و مدلولی مفاهیم زبان، گویش، لهجه و گونه

۴. دیدگاه صاحب‌نظران و زبان‌شناسان

در این بخش به آرای برخی از صاحب‌نظران و زبان‌شناسان در باب هورامی می‌پردازیم: رخزادی (۱۳۹۰: ۳۷) هورامی را جزو شاخهٔ چهارم در تقسیم‌بندی کردی به چهار شاخهٔ گُرمانجی شمالی، گُرمانجی جنوبی (سورانی)، کرمانشاهی - لُری و گورانی - زازایی می‌داند. طیبی (۱۳۸۸: ۲۴۱) نیز با اندک تفاوتی، همان دیدگاه رخزادی را بیان کرده است و می‌نویسد

که به‌طور کلی زبان کردی چهار شاخه اصلی به‌شرح زیر دارد که هرکدام دارای گویش‌های فرعی متعددی است: (۱) گُرمناج شمال (۲) گُرمناج جنوب (۳) کرمانشانی [کرمانشاهی] (۴) هورامانی و گورانی. او (۱۳۷۵: ۱۹) می‌گوید که زبان کردی از شعبه زبان‌های هندوایرانی و از شاخه پارسی است و از لحاظ دستوری جز در برخی گویش‌ها مانند گویش [هورامی] مردم پاوه تفاوت چندانی با فارسی معیار (?) ندارد.

تابانی (۱۳۸۰: ۴۲۳) می‌نویسد که زبان کردی مانند تمام زبان‌های دیگر، خود دارای گویش‌های مختلفی به‌شرح زیر است: (۱) گُرمناجی (۲) گورانی و هورامانی (۳) لُری (۴) کلهری یا کرمانشاهی.

زکی بیگ (۱۳۸۸: ۲۳۱) بر این باور است که هورامی از تکامل فارسی قدیم به‌وجود آمده است؛ زبان هورامی شاید همان زبان تاجیک باشد که مدتی در ایران مرکزی و احتمالاً کردستان جنوبی توسط یک قوم مهاجر ایرانی یا از طرف قومی محلی و غیرکرد به آن تکلم می‌شده است. هورام‌ها زبان خود را به‌خوبی حفظ کرده‌اند که برای کرد چندان مفهوم نیست.

ارانسکی (۱۳۷۹: ۳۰۸، ۳۱۱) معتقد است لهجه‌های اصلی کردی (یا دقیق‌تر بگوییم گروه‌های اصلی لهجه‌ها) عبارت‌اند از: کورمانجی (گویش‌های شمال‌غربی زبان کردی) و کردی (گویش‌های جنوب‌شرقی). وی می‌افزاید که لهجه‌های برخی از قبایل کردی مثل هورامی با لهجه‌های اصلی مزبور آن‌چنان متفاوت‌اند که محققان آنها را زبان‌های مستقلی می‌دانند. برخی از ویژگی‌های این لهجه‌ها حاکی از رابطه آنها با لهجه‌های مرکزی ایران (سمنانی) و سرزمین فارس (سیوندی) و همچنین کرانه خزر است. وی (۱۳۸۶: ۱۲۸) می‌نویسد که گویش‌ها و لهجه‌های متعدد کردی که هنوز هم اطلاع کاملی از آنها در دست نیست به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: گویش‌های شمال‌غربی (گُرمناجی) و گویش‌های جنوب‌شرقی. او (همان: ۱۴۶) هورامی را جزو کردی نمی‌داند و آن را در گروه گویش‌های شمال‌غربی قرار می‌دهد.

مکنزی (۱۹۶۶: ۳، ۴) و (۱۹۶۱: ب: ۷۳) هورامی را جزیره‌ای در دریای کردی دانسته است که در واقع از بسیاری جهات تاحدودی حالتی از یک گویش ایرانی کهن را دارد و اضافه می‌کند که هورامی گویشی گورانی و احتمالاً باستانی‌ترین و بهترین گونه بازمانده از گروه خود است. جزیره

بودن هورامی در دریای کردی از دیدگاه مکنزی به یک معنی بر ماهیت متفاوت هورامی از کردی اشاره دارد. وی (۱۹۶۱ الف) که به بررسی گویش‌های کردی پرداخته و آنها را به دو گروه عمده تقسیم کرده است، هیچ نامی از هورامی نبرده است و از نظر او، هورامی در هیچ‌کدام از این دو گروه عمده گویش‌های کردی جای ندارد.

آساطوریان (۱۳۷۴: ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۵) می‌گویند که مدارک و اسناد زبان‌شناسی گواهند که زبان گورانی از گویش‌های شمال‌غربی ایران است و به مجموعه گویش‌های سواحل جنوبی دریای خزر تعلق دارد و این زبان، به‌ویژه گویش هورامان، از زبان‌های جالب و قدیمی ایران است. گویش هورامان نه فقط از گویش‌های دست‌نخورده گورانی است بلکه از گویش‌های کهنه و ناب گروه زبان‌های ایرانی است. بنا بر اطلاعات موجود، در اثر نفوذ کردها به اماکن سکونت‌گاه گوران‌ها، اختلاط‌های کرد - گورانی ایجاد شده است و کردهایی که به آن نواحی مهاجرت کرده‌اند نام این گروه‌ها را با حفظ زبان مادری و مذهب پذیرفته‌اند.

به باور مینورسکی (۱۹۲۰: ۴۰)، زبان هورامی برای مدتی عمده‌ترین زبان ادبی ناحیه غربی کردستان بوده و هنوز هم زبان مقدس اهل حق است.

دیدگاه لیزنبرگ (۱۹۹۲: ۱۴، ۱۸) این است که هورامی با اوستایی و فارسی باستان شباهت زیادی دارد. تکواژ مجهول در اوستایی و فارسی باستان کاملاً شبیه تکواژ مجهول در هورامی است (-iia-، -ya- و -y- به ترتیب). وی هورامی را به لحاظ زبان‌شناختی جزو زبان کردی نمی‌داند.

معین (۱۳۷۶: ۴۲، ۲۱۳، ۱۵۵۹) می‌نویسد که کردی نام عمومی دسته‌ای از زبان‌ها و لهجه‌هایی است که در نواحی کردنشین ترکیه، ایران و عراق رایج است. بعضی از این زبان‌ها را باید مستقل شمرد، چه تفاوت آنها با کردی (گرمانجی) بیش از آن است که بتوان آنها را با کردی پیوسته دانست. دو زبان مستقل از این نوع یکی زازا یا دُملی است که به نواحی کردنشین غربی متعلق است و دیگری گورانی است که در نواحی کردنشین جنوبی رایج است و خود لهجه‌های متفاوت دارد. عده‌ای هورامی را جزو اصیل‌ترین زبان‌های قدیمی ایران و بازمانده زبان‌های پهلوی و اوستایی می‌دانند.

بلو (۱۳۸۳: ۵۵۵) معتقد است که به‌رغم هم‌جواری گورانی و زازا با کردی و احساس عمیق سخنگویان آنها در تعلق داشتن به ملیت کردی، نمی‌توان این دو زبان را به کردی منسوب دانست چرا که تحولات خاص زبان کردی را متحمل نشده‌اند.

فروه‌وشی (۱۳۵۳: ۴۹) می‌گوید که دو گویش «زازا» و «گورانی» معمولاً جزو دسته زبان‌های کردی محسوب می‌شوند ولی از نظر زبان‌شناسی باید آنها را گروه‌های جداگانه‌ای دانست.

دبیرمقدم (۱۳۸۷: ۱۲۱) و (۱۳۹۲: ۷۹۴) هورامی را زبان مستقلی می‌داند. وی (همان: ۲۳) به‌صراحت از هورامی به‌عنوان زبانی مجزا و مستقل یاد می‌کند که دارای گویش‌های خود است و آن را در راستای تعبیر «زبان‌های محلی و قومی» مندرج در اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۵۸) می‌داند که به‌لحاظ ملاک‌های زبان‌شناختی تعبیری موجه و علمی است. او (همان: ۷۹۴) به نقل از مینورسکی می‌گوید که گوران‌ها هم به دلایل زبان‌شناختی و هم قوم‌شناختی^۱ از کُردها متمایزند. وی صورت‌های تلفظی [Gōrān] و [Gūrān] را مستند خوانده و تأیید کرده و بازسازی نام این قوم را به‌صورت (v)bāra(k)gā به‌معنی «گاو‌سواران» موجه دانسته است. به‌نظر وی، محل اقامت قدیمی خان‌های گوران Gāvāra (گهواره) چیزی جز تلفظ عامیانه متأثر از فارسی نیست و صورت اصلی آن Gāvāra بوده است.

مک‌کروس (۲۰۰۹: ۵۸۷، ۵۸۹) بر این باور است که کردی به‌عنوان یک اصطلاح پوششی برای بزرگ‌ترین گروه گویش‌های ایرانی غربی دارای سه زیرگروه اصلی است: ۱) کردی شمالی (کُرمانجی)، ۲) کردی مرکزی با دو زیرگروه سورانی و مُکری و ۳) کردی جنوبی. سه گروه گویشی دیگر ایرانی که با مناطق کردنشین همسایه‌اند گاهی اوقات گونه‌هایی از کُردهای تلقی می‌شوند. بااین‌حال اگرچه از جهات مختلفی با کردها تاریخ و فرهنگ مشترکی دارند اما از دیدگاه گویش‌شناسی تاریخی ایرانی، مجزا از کُردهای اند. این سه گروه عبارتند از: ۱) زازاکی / دیمیلی در ترکیه، ۲) گورانی در منطقه هورامان زاگرس میانه در ایران (هورامانی) و نزدیک موصل در عراق (به‌ویژه باجیلانی) و ۳) لُری - بختیاری در زاگرس جنوبی.

بندیکتسن و کریستنسن (۱۹۲۱) می‌نویسند که هورامی برای محققان بیش از حد عجیب بود

زیرا نه ایرانی‌ها و نه خود کُردها [غیر هورام‌ها] آن را نمی‌فهمیدند... در سنج بعضی‌ها می‌گفتند که زبان هورامی در گذشته زبان مشترک همه آنها بوده و حتی تمام کتب قدیمی به این زبان نوشته می‌شده است.

نخستین زبان‌شناسی که تأکید داشت و می‌گفت که هورامی جزو زبان کُردی نیست اُسکار مان بود (بروین سن ۱۳۷۸: ۱۸۴، ۱۸۵) و (لیزبرگ ۱۹۹۲: ۱۱).

زبان اورامی را ایران‌شناسان از زبان‌های فلات مرکزی ایران می‌دانند مانند زبان‌های تاتی و وفسی. این زبان‌ها به ظن قوی بازمانده زبان مادی هستند. اما در مورد کُردی باید آن را در گروه زبان‌های ایرانی شمال‌غربی جای داد که در این صورت با زبان پارسی مرتبط می‌شود.^۱

از میان این شانزده صاحب‌نظر که دیدگاه آنها نقل شد، تنها سه نفر یعنی رخزادی، طیبی و تابانی هورامی را جزو زبان کُردی می‌دانند که البته زبان‌شناس نیستند. سیزده نفر دیگر بر زبان بودن هورامی، جدا و مستقل بودن آن از زبان کُردی، نبود تفاهم متقابل و درک و فهم هورامی توسط کُردها، باستانی، اصیل و دست‌نخورده بودن آن و ارتباط آن با زبان‌های ایرانی باستان از جمله فارسی باستان، اوستایی و مادی تأکید دارند.

نگارنده همسو با دیدگاه این سیزده صاحب‌نظر، بر این باور است که هورامی یک زبان است چرا که اگر تفاهم متقابل بدون آموزش آگاهانه، معیار تمایز زبان از گویش باشد (دیرمقدم ۱۳۸۷: ۱۲۰) و (مدرسی ۱۳۹۱: ۱۶۹)، بدون شک باید هورامی را زبان دانست زیرا میان گویشوران هورام و دیگر گونه‌ها تفاهم متقابل وجود ندارد، حتی در مناطقی که گویشوران هورام و گویشوران کُرد (به‌ویژه گونه سورانی که اکنون در مناطق کردنشین نقش زبان میانجی را بازی می‌کند) در کنار هم زندگی می‌کنند، گویشوران کُرد قادر به درک زبان هورامی و تکلم بدان نیستند. نگارنده^۲ در این مورد به کرات با آنها بحث کرده است که می‌گویند درک و فهم هورامی برایشان مشکل است. در اینجا لازم است به دیدگاه باطنی (۱۳۸۷: ۲۴، ۲۷) در مورد یکی از ملاک‌های تمایز زبان، گویش و لهجه اشاره شود. وی بر این باور است که علاوه بر ملاک‌های زبان‌شناسی، ملاک‌های

۱. نقل قول از دکتر محمد دیرمقدم در جریان گفتگوی نگارنده با ایشان در این مورد.

۲. نگارنده هورامی‌زبان است.

سیاسی از جمله نگرش خود سخنگویان در این رابطه مهم است که آیا به دو زبان مختلف صحبت می‌کنند یا دو [گویش] و لهجه از یک زبان را به کار می‌گیرند. در این حالت نباید ملاک‌های زبان‌شناسی را در مقابل آنها بگذاریم چون ملاک‌های سیاسی و زبان‌شناسی بر یکدیگر منطبق نمی‌شوند. اگر براساس این دیدگاه هم قضاوت کنیم، باز هورامی را باید یک زبان مستقل و جدا از کردی شمرد؛ چراکه در مناطق هورام و کردنشین اصطلاح «هورام و کرد» و «هورامی و کردی» کاربرد زیادی دارد، به طوری که وقتی دو نفر برای اولین بار همدیگر را می‌بینند معمولاً از هم می‌پرسند که: «کرد هستی یا هورام؟». کاربرد این اصطلاح‌ها دارای معنی ضمنی تمایز هورام و کرد و کرد نبودن هورام‌ها است.

۵. شواهد زبان‌شناختی

در این قسمت به برخی از ویژگی‌های متمایز، بارز و منحصر به فرد هورامی در سطوح مختلف زبانی در مقایسه با کردی اشاره می‌شود:

۵.۱. نظام واجی و آوایی

الف) نظام واجی کردی شامل ۲۹ همخوان و ۸ واکه ساده است (رخزادی ۱۳۹۰: ۷۲، ۷۸)، در حالی که هورامی دارای ۳۰ همخوان و ۸ واکه ساده است (کامبوزیا و سجادی ۱۳۹۲: ۷۶). یکی از تفاوت‌های بارز و برجسته نظام واجی این دو گونه، حضور پربسامد همخوان ناسوده، دندانی و واکدار /ɪ/ در نظام واجی هورامی و غیبت آن در کردی است. برای تولید این همخوان نوک زبان به دندان‌های بالا نزدیک می‌شود بدون آنکه با آنها تماس پیدا کند (همان: ۶۸): paɪ : مادر، gəɪ : او (مذکر)، تمام، همه. این واج در فارسی باستان و اوستایی هم وجود داشته است که معمولاً آن را به صورت δ نشان می‌دهند. این همخوان به عنوان واج گونه d ظاهراً تا سده هفتم هجری وجود داشته و پس از آن به d بدل شده است (ابوالقاسمی ۱۳۸۹: ۶، ۲۱). تفاوت دیگر وجود واج‌های /v/ و /w/ در هورامی است، در حالی که در کردی (به جز کرمانجی شمالی/بادینانی) فقط واج /w/ وجود دارد.

ب) وجود واجگونه n در هورامی و نبود آن در کردی: $dənɛw$: کمی، اندکی؛ $səŋan$: سرطان؛ $banan$: دربند، فاصله بین دو کوه؛ qan : قند (نقشبندی ۱۳۷۵: ۱۵).

ج) عملکرد فراگیر فرایند نرم‌شدگی همخوان‌ها: این فرایند که شامل واکدارشدگی و پیوسته‌شدگی همخوان‌ها است، از وجوه منحصر به فرد نظام آوایی هورامی در مقایسه با کردی و حتی فارسی است. در فرایند واکدارشدگی، همخوان‌های f ، $ʃ$ ، k و s به جفت واکدارشان تبدیل می‌شوند. فرایند پیوسته‌شدگی نیز سه همخوان b ، d و t را شامل می‌شود (همان: ۱۵، ۱۸۸، ۱۹۳).

جدول ۱.

هورامی	فارسی	کردی
taʒna	تشنه: $teʃne$	tinu
χoɹa	خدا: $χoda$	χow(d)a
goʒd	گوشت: $gʊʃt$	goʃt
dəʒmani	دشنام: $dəʃnam$	dʒven
darz	درس: $dars$	dars
varva	برف: $barf$	bafer

د) تبدیل واج همخوانی $χ^w$ به w در سیر تحول تاریخی این زبان (همان: ۱۶) و (مکنزی ۱۹۶۱: ۷۴) ولی ثابت ماندن آن در کردی: *م‌انسانی و مطالعات فرنگی*

جدول ۲.

هورامی	فارسی	کردی
warm	خواب: $χab$	χaw
wem	خودم: $χodam$	χom
wasaj	خواستن: $χastan$	χwastən
wni	خون: $χun$	χven
war	خورشید: $χorʃid$	χor

ه) مختموم شدن بیشتر واژه‌های هورامی به واکه (سجادی ۱۳۹۴: ۴۵) در مقایسه با کردی، که نشانه‌ای از کهن بودن این زبان است (ابوالقاسمی ۱۳۸۸: ۲۰):

جدول ۳.

هورامی	معادل فارسی	کردی
tata	پدر	bawk
ʔaia	مادر	dajk
wate	خواهر	χojjk
tuta	سگ	sag
tavani	سنگ	bard

و) وجود تکیه که دارای سه نقش و کارکرد است: ۱) سبب تغییر معنی واژه می‌شود: 'hita: شخم 'hi'ta/ جفت (کفش و غیره)؛ ۲) موجب تغییر مقوله دستوری واژه می‌شود: 'bara=بیر (فعل امر) /ba'ra/ در خانه و غیره (اسم)؛ ۳) عامل شناسایی و تشخیص جنس دستوری در اسم‌ها و صفت‌ها است. هم اسم‌های مذکر و هم مؤنث به واکه‌های /a, i/ ختم می‌شوند. به عبارت دیگر، این دو واکه هم در پایان اسم‌های مذکر و هم مؤنث می‌آیند و آنچه که باعث تشخیص جنس دستوری آنها می‌شود، جایگاه تکیه است: ma'zi: پشت (مذکر) /wami'؛ بادام (مؤنث). هم صفت‌های مذکر و هم مؤنث به واکه /a/ ختم می‌شوند. به عبارت دیگر، این واکه هم در پایان صفت‌های مذکر و هم مؤنث دیده می‌شود و براساس تکیه باید جنس دستوری صفت مورد نظر را مشخص کرد؛ به طوری که صفت‌های مذکر به واکه تکیه‌دار /a/ و صفت‌های مؤنث به واکه بدون تکیه /a/ ختم می‌شوند: poχ'ta: تمیز (مذکر) /pisa': کثیف (مؤنث) (سجادی ۱۳۹۵). تکیه از ویژگی‌های زبان‌های فارسی باستان و اوستایی بوده است (ابوالقاسمی ۱۳۸۹: ۷). تغییر جایگاه تکیه در کردی نیز دارای کارکرد اول و دوم است یعنی موجب تغییر معنی و مقوله دستوری واژه می‌گردد (رخزادی ۱۳۹۰: ۹۰) اما فاقد کارکرد سوم است. این در حالی است که زبان فارسی امروزی از جمله زبان‌هایی است که در آن نقش تکیه در محور جانشینی بسیار ناچیز است زیرا تعداد کلماتی که وجه تمایز آنها ناشی از تکیه است و تغییر جایگاه تکیه منجر به تمایز معنایی آنها می‌شود بسیار اندک است (بی‌جن‌خان ۱۳۹۲: ۵۴، ۵۵).

ز) تبدیل m- پس‌واکه‌ای اول به v- و سپس به w- در کردی (در برخی گویش‌ها) که در هورامی بدون تغییر باقی مانده است (مکنزی ۱۹۶۱ب: ۷۰):

جدول ۴.

هورامی	فارسی	کردی
hamir	خامیر: xamir	havir
hamən	تابستان: tabestan	havin
zama	داماد: damad	zava
tamam	تمام: tamam	tawaw
tʃam	چشم: tʃaʃm	tʃaw
sartʃama	سرچشمه: sartʃeʃme	sartʃawa
name	نام: nam	naw

ح) -x آغازین فارسی در کردی به k- و در هورامی به h- تبدیل می‌شود (همان: ۷۱):

جدول ۵.

هورامی	فارسی	کردی
har	خر: xar	kar
havroʃa	خرگوش: xarʃuʃ	karveʃk
hana	خان- (اوستایی): xan-	kani

ط) تبدیل b- فارسی به v- (در گویش هورامان تخت) یا w- (در برخی دیگر از گویش‌ها از جمله هورامان لهن و پاره‌ای) در هورامی و بدون تغییر ماندن آن در کردی (همان: ۷۶؛ سجادی و کامبوزیا ۱۳۹۳: ۹۵):

جدول ۶.

هورامی	فارسی	کردی
v/wa	باد: bad	ba
v/waran	باران: baran	baran
v/wahar	بهار: bahar	bahar
v/waz	باز (متضاد بسته): baz	baz
v/warv/wa	برف: barf	bafer

ی) معادل کردی پیشوند فعلی hor- (بالا) در هورامی، از erəδwa- اوستایی و منطبق با ul فارسی میانه، haṭ است یعنی r هورامی به t در کردی تبدیل شده است (مکنزی ۱۹۶۱: ب: ۷۷):

جدول ۷.

هورامی	معادل فارسی	کردی
hor (?) esaj	از خواب برخاستن	haṭsan
hor (?) amaj	بالا آمدن	haṭ(h)atən
horkaraj	دوام آوردن	haṭkərdən
hormataj	بالا زدن (آستین و غیره)	haṭmatin
horvessaj	آویزان کردن	haṭwasin

ک) تبدیل d میان‌واکه‌ای و پایانی به i. در هورامی (سجادی و کامبوزیا ۱۳۹۳: ۹۳) و بدون تغییر ماندن آن در کردی:

جدول ۸.

هورامی	فارسی	کردی
qarim	Gadim: قدیم	qadim
gara	Jada: گدا	gada
χora	χoda: خدا	χod(w)a
sar	sad: صد	sad
?azar	?azad: آزاد	?azad

ل) ساختمان هجای کردی و هورامی نیز متفاوت است. ساختمان هجا در کردی به صورت (C)(C)V(C)(C)(C) (کریمی‌دوستان ۱۳۸۱: ۱) و (رخزادی ۱۳۹۰: ۸۵) اما در هورامی به صورت (C)(C)V(C)(C) (کامبوزیا و سجادی ۱۳۹۲: ۷۷) است. به عبارت دیگر، در هورامی خوشهٔ بیش از دوهمخوانی چه در جایگاه آغازی و چه پایانی هجا وجود ندارد اما در کردی در جایگاه پایانی هجا خوشهٔ بیش از دوهمخوانی (سه‌همخوانی) ظاهر می‌شود.

م) در کردی در ساخت‌های هجایی با دو همخوان در آغاز، همخوان دوم فقط می‌تواند /j/ یا /w/ باشد (کریمی‌دوستان ۱۳۸۱: ۷) و (رخزادی ۱۳۹۰: ۸۶) ولی در هورامی چنین محدودیتی وجود

ندارد (کامبوزیا و سجادی ۱۳۹۲: ۷۲، ۷۴): **djbar**: بیرون، **fra**: زیاد، **dve**: دو.

۲.۵. ساخت‌واژه

الف) وجود جنس دستوری: مقولهٔ جنس دستوری در هورامی دوشقی است؛ تمام اسم‌های مفرد یا مذکرند یا مؤنث. تشخیص جنس دستوری اسم، به آوای پایانی و جایگاه تکیهٔ آن بستگی دارد؛ جنس دستوری اسم از طریق صورت اسم یعنی آوای پایانی آن و جایگاه تکیه بازنمایی می‌شود. حروف تعریف معین و نامعین، صفات، افعال و ضمیر موصولی معادل «که» فارسی با اسامی در جنس دستوری مطابقت نشان می‌دهند (سجادی ۱۳۹۴: ۲۱۵)، در کردی مقولهٔ جنس دستوری وجود ندارد.

جدول ۹. نشانگرهای صوری جنس دستوری اسم‌ها در هورامی (همان)

اسم مؤنث	اسم مذکر
۱) مختوم به واکه‌های بدون تکیه «-a، -i» و تکیه‌دار «-e»	۱) مختوم به همخوان
۲) مختوم به واکهٔ تکیه‌دار «-a»	۲) مختوم به واکه‌های تکیه‌دار «-a، -i، -u، -o، -a»
۳) مختوم به همخوان «-j»	۳) مختوم به همخوان «-j»

جنس دستوری در فارسی باستان و اوستایی هم وجود داشته است و بر اساس آوای پایانی ستاک قابل تشخیص بوده است (ابوالقاسمی ۱۳۸۹: ۲۸؛ آرانسکی ۱۳۸۶: ۵۶).

ب) نشانهٔ مصدری: در هورامی مصدر با افزودن پسوندهای «-a/aj» به ستاک گذشتهٔ فعل درست می‌شود (سجادی ۱۳۹۴: ۱۳۹): **vat-aj**: گفتن، **gərt-aj**: گرفتن، **san-aj**: خریدن، **wan-aj**: خواندن. مصدر در کردی با افزودن پسوند «-(ə)n» به آخر ستاک گذشتهٔ فعل ساخته می‌شود (رخزادی ۱۳۹۰: ۱۱۷): **wət-ən**: گفتن، **gərt-ən**: گرفتن، **sand-ən/kri-n**: خریدن، **xvend-ən**: خواندن. مصدر در فارسی باستان از پیوستن «-tanai» به ریشه ساخته می‌شده است (ابوالقاسمی ۱۳۸۹: ۱۴۷).

ج) تکواژ مجهول‌ساز: در هورامی مجهول با افزودن تکواژهای «-ja» (زمان حال) و «-ja» (زمان گذشته) به ستاک حال فعل درست می‌شود (مکنزی ۱۹۶۶: ۴۸): **koj-ja-w**: کشته می‌شوم/

خواهم شد؛ kɔʃ-jə-θ: کشته شد. در فارسی باستان و اوستایی مجهول از پیوستن «-ja» به ریشه ساخته می‌شده است و «-ja» تکیه داشته است (ابوالقاسمی ۱۳۸۹: ۱۵۳). در هورامی هم «-ja» تکیه‌دار است (سجادی ۱۳۹۴: ۴۷). در کردی مجهول با افزودن تکواژهای «-re» (زمان حال) و «-ra» (زمان گذشته) به ستاک حال فعل ساخته می‌شود: daxven-re: خواننده می‌شود؛ ra-xven-da: خواننده (می‌شد) (رخزادی ۱۳۹۰: ۲۰۷) و (مکنزی ۱۹۶۱: ۸۴). در معدودی از گونه‌های کردی (مانند کردی جنوبی) مجهول مانند هورامی با افزودن تکواژ «-ja» ساخته می‌شود که به نظر می‌رسد ناشی از قرض‌گیری مستقیم این گونه‌ها از هورامی باشد (همان)، چراکه این حالت مجهول‌سازی در کردی تنها در جاهایی یافت می‌شود که اختلاط کرد و هورام وجود دارد.

د) نشانه جمع در کردی مانند فارسی تکواژ «-an» است (همان: ۸۴) و (رخزادی ۱۳۹۰: ۱۱۰): got-an: گل‌ها، mat-an: خانه‌ها، اما در هورامی دو تکواژ جمع وجود دارد: «-e» صریح و «-a» غیرصریح: ?a kteb-e: آن کتاب‌ها، ?a kteb-a bara: آن کتاب‌ها را بیاور (مکنزی ۱۹۶۱: ۸۵). هر دو هورامی دو ساخت اضافه وجود دارد که به لحاظ کارکرد از هم متمایزند: اضافه صفتی^۱ «-i/j» و اضافه اسمی^۲ «-u/w» که اسمی را به صفت یا اسم بعد از خود به ترتیب وصل می‌کنند. در اضافه صفتی صفت با اسمی که توصیف می‌کند در شمار، جنس و حالت مطابقت نشان می‌دهد (همان: ۸۲) و (همو ۱۹۶۶: ۱۷-۱۹): kteb-i sjaw: کتاب سیاه (مطابقت در شمار و جنس: کتاب مذکر است)، kteb-e sjave: کتاب‌های سیاه (مطابقت در شمار)، tavan-i sjava: سنگ سیاه (مطابقت در شمار و جنس: سنگ مؤنث است)، tavan-i sjave: سنگ‌های سیاه (مطابقت در شمار)، kteb-u ?ahma.i: کتاب احمد، ktew-e-w ?ahma.i: کتاب‌های احمد، اما در کردی هر دو ساخت با یک صورت یعنی «-i» نشان داده می‌شوند (همو ۱۹۶۱: ۸۲): ktew-i raf = کتاب سیاه، ktew-an-i raf: کتاب‌های سیاه، ktew-i raf: کتاب احمد. در کردی صفت با اسمی که توصیف می‌کند، هیچ نوع مطابقتی (در شمار، جنس و حالت) ندارد.

و) هورامی دارای دو حرف تعریف معین است: «-aka» برای مذکر و «-ake» برای مؤنث،

1. epithetic

2. genitive

در کردی تنها از «-aka» استفاده می‌شود که مستقیماً از هورامی قرض گرفته شده است (همان: ۸۱، ۸۵) و (همو ۱۹۶۶: ۱۶): هورامی: **kɔɾ-aka**: پسر، **knatʃ-ake**: دختره؛ کردی: **kɔɾ-aka**: پسر، **kɔʃ-aka**: دختره.

ز) هورامی دارای دو حرف تعریف نامعین است: «-ev»^۱ برای مذکر و «-eva» برای مؤنث (همان: ۱۵): **kɔɾ-ew**: پسری، **knatʃ-eva**: دختری، در کردی تنها یک حرف تعریف معین وجود دارد یعنی «-e(k)» (رخزادی ۱۳۹۰: ۱۱۰): **kɔɾ-e(k)**: پسری، **kɔʃ-e(k)**: دختری.

ح) پسوندهای ضمایر شخصی (ضمایر شخصی پیوسته یا همان واژه‌بست‌ها) و ضمایر شخصی جدا در هورامی و کردی نیز تفاوت‌هایی با هم دارند. مهم‌ترین تفاوت بین آنها مربوط به شکل و صورت است. صورت سوم شخص ضمایر شخصی پیوسته مفرد و جمع در هورامی و کردی متفاوت است (مکنزی ۱۹۶۱: ۸۳):

جدول ۱۰. (رخزادی ۱۳۹۰: ۱۵۳؛ مکنزی ۱۹۶۶: ۲۵)

هورامی		کردی	
مفرد	جمع	مفرد	جمع
-əm	-ma	-əm	-man
-ət	-ta	-ət	-tan
-əʃ	-fa	-i	-jan

در ضمایر شخصی جدای کردی و هورامی هم تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد:

جدول ۱۱. (رخزادی ۱۳۹۰: ۱۵۷؛ مکنزی ۱۹۶۶: ۲۴؛ سجادی ۱۳۹۴: ۱۴۲)

هورامی		کردی	
مفرد	جمع	مفرد	جمع
mən/?am ^۲	?ema	mən	?ema
to	?ma	to	?ewa
ʔaɪ/?aɪ ^۴	?aɛ	?aw	?awən

۱. در زیرساخت «-ev» است اما چون در هورامی /v/ در پایان واژه نمی‌آید، به /w/ تبدیل می‌شود (سجادی ۱۳۹۴: ۱۴۸).

۲. در گویش پایه‌ای به کار می‌رود.

۳. مذکر.

۴. مؤنث.

۳.۵. نحو

الف) مطابقت صفت با موصوف در شمار و جنس دستوری (مکنزی ۱۹۶۱: ۸۲) و (همو ۱۹۶۶: ۱۷):

هورامی:

kteb-i	ʃal	kteb-e	ʃal-e
مفرد/مذکر (خوب) اضافه- مفرد/مذکر (کتاب)= کتابِ خوب	مفرد/مذکر (خوب)	مذکر/جمع- اضافه/کتاب= کتاب‌هایِ خوب	جمع-مذکر (خوب) اضافه/کتاب= کتاب‌هایِ خوب

کردی:

ktew-i	baʃ	ktew-an-i	baʃ
اضافه- (کتاب)= کتابِ خوب	(خوب)	جمع- اضافه/کتاب= کتاب‌هایِ خوب	خوب

این مطابقت در فارسی باستان و اوستایی هم وجود داشته است (ابوالقاسمی ۱۳۸۹: ۵۶). در کردی و فارسی امروزی صفت با موصوف چنین مطابقتی نشان نمی‌دهد. (ب) نشانه‌هایی از نظام ارگتیو (هولم‌برگ و آدن ۲۰۰۴؛ دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۸۳۲، ۸۴۷، ۸۴۸): در افعال متعدی گذشته، فاعل همواره به صورت پی بست غیرفاعلی به نخستین سازه متعلق به گروه فعلی (گزاره) می‌پیوندد. این سازه میزبان غالباً مفعول صریح جمله است. مفعول صریح خواه در جمله حضور داشته باشد و خواه محذوف باشد، به شکل پسوند مطابقت فعلی در ستاک فعل بازنمایی می‌شود:

ʃali	ʔahmaɪ-əʃ	koʃt-ø.
علی	واژه بست ۳ ش م- (احمد)	علی احمد رازد = ۳ ش م- (زد)
	koʃt-ø-əʃ	
	(واژه بست) ۳ ش م- ۳ ش م- (زد) = او رازد.	

ج) نشان‌دار شدن مضاف‌الیه در ترکیبات اضافی (سجادی ۱۳۹۴: ۴۷): در هورامی در ساخت‌های اضافه اسمی (مکنزی ۱۹۶۱: ۸۲) و (همو ۱۹۶۶: ۱۷)، اسم دوم نشان‌دار می‌شود، یعنی نشانه «-i» می‌گیرد؛ ویژگی‌ای که در کردی و حتی فارسی وجود ندارد:

هورامی:

kteb-u ^۱	Karim-i ^۲	got-u	baχ-i
اضافه-(کتاب)	کتابِ کریم = (کریم)	اضافه-(گل)	گلِ باغ = (باغ)

کردی:

ktew-i	Karim	got-i	baχ
اضافه-(کتاب)	کتابِ کریم = (کریم)	اضافه-(گل)	گلِ باغ = (باغ)

۵.۴. واژگان

یکی از راه‌های بررسی ارتباط خویشاوندی بین زبان‌ها بازسازی است و در این زمینه بازسازی واجی نخستین بخش از کار است. برای این منظور از واژه‌های همزاد^۳ استفاده می‌شود. یک واژه در یک زبان هنگامی با واژه‌ای در زبانی دیگر همزاد است که هر دو دارای نیای مشترک باشند و هیچ‌یک در نتیجهٔ قرض‌گیری به زبان دیگر وارد نشده باشد. در جستجوی آغازی برای یافتن مجموعه‌های همزاد عاقلانه‌تر آن است که کار با واژه‌هایی شروع شود که برای دوره‌ای طولانی به‌طور پیوسته در یک زبان بوده‌اند و احتمال به‌قرض گرفته شدن آنها از زبان‌های دیگر زیاد نیست. تجربه نشان داده است که واژه‌هایی مانند اعداد اصلی، اعضای بدن، اصطلاحات خویشاوندی، برخی از پدیده‌های طبیعی مانند خورشید، روز و غیره که نمایانگر عناصر بسیار معمول و همگانی است کمتر تحت تأثیر قرض‌گیری از زبان‌های دیگر و بنابراین برای بازسازی سودمندترند (آرلاتو ۱۳۷۳: ۱۲۹، ۱۳۱). در اینجا به برخی از واژه‌های رایج مربوط به عناصر بسیار معمول و همگانی در هورامی و کردی اشاره می‌شود که همزاد نیستند و هیچ‌گونه تشابه واجی در میان آنها دیده نمی‌شود و این می‌تواند دلیلی بر جدا بودن این گونه‌ها از همدیگر باشد.

۱. معادل کسره در زبان فارسی است.

۲. نشان‌دار شدن مضاف‌الیه

جدول ۱۲. برخی از واژه‌های رایج مربوط به عناصر بسیار معمول و همگانی در هورامی و کردی

هورامی	معادل فارسی	کردی
mazi	پشت (بدن)	pəʃt
lamma	شکم	s(z)ək
ko(ə)lka	انگشت	paŋʒa/ʔangus
ʔaɪɑ	مادر	dajk
tata	پدر	bawk
wəfe	خواهر	χoʃʃk
jva	یک	jak
jare	سه	se
sjaw ^۱	سیاه	raʃ
tʃarma	سفید	spi
roʒʒar	خورشید	χor
gəʒʒi	پیراهن	kras
tavani	سنگ	bard
karga	مرغ	mamər/məriʃk
hi(e)zi	دیروز	dveka
saba	فردا	bajani
ʔamqj	آمدن	hatən

۶. گویش‌های هورامی

هورامی دارای گویش‌های متعددی است از جمله: (۱) تختی، (۲) لُهونی، (۳) زاوه‌رودی، (۴) پاوه و قسمتی از جوانرود، (۵) گورانی که زبان کتابت کتب دینی طوایف اهل حق است، (۶) ماچو^۲ (گویش سادات اهل حق که ویژگی مذهبی دارد). گفته می‌شود برخی لغات و کلمات این گویش با لغات اوستایی نزدیک است. این گویش در عراق در بین برخی از طوایف از جمله

۱. صورت مذکر رنگ‌ها آمده است. صورت مؤنث آنها «sjava» و «tʃarme» است.

۲. به دو صورت در هورامی وجود دارد: (۱) matʃu matʃu (آساطوریان ۱۳۷۴: ۳۹) به معنی «می‌گویم». (۲) matʃo (محمودویسی و همکاران ۲۰۱۱: ۳) به معنی «می‌گوید».

کاکه‌ای‌ها رواج دارد، ۷) گهواره‌ای قدیم، ۸) کوره‌جویی قدیم، ۹) بیوه‌نجی قدیم، ۱۰) قلاعی قدیم، ۱۱) کَنولَه و ۱۲) باجَلان از اکراد عراق مقابل دشت زهاب (سجادی ۱۳۹۴: ۴۹). هر کدام از این گویش‌ها دارای لهجه‌هایی هستند.

باتوجه به وجود رابطه سلسله‌مراتبی و دال و مدلولی میان مفاهیم زبان، گویش و لهجه (بخش ۳)، نمی‌توان بدون وجود زبان مدعی گویش و لهجه شد. هنگامی که گفته می‌شود در هورامی گویش‌هایی زیادی وجود دارند که هر کدام از آنها دارای لهجه‌هایی هستند به این معنی است که هورامی زبان است چراکه گویش زیرمجموعه زبان و لهجه زیرمجموعه گویش است و هر دوی آنها به مجموعه بزرگ‌تری به نام زبان تعلق دارند.

۷. شواهد تاریخی و تأثیر هورامی بر کردی

هورام‌ها ساکنان اصلی و اولیه غرب فلات ایران بوده‌اند، جایی که امروزه به اصطلاح «کردستان» نامیده می‌شود. هم‌اکنون نیز در این منطقه در بخش‌هایی از دو کشور ایران و عراق ساکن هستند. این قوم در گذشته‌های دور در این منطقه به کار کشاورزی و دامداری مشغول بودند و برخلاف کردها، یکجانشین و دارای نظام غیرقبیله‌ای و عشیره‌ای بودند. کردها قومی چادرنشین و دارای نظام عشیره‌ای و قبیله‌ای بودند که بعدها به این منطقه وارد شدند و به تدریج و در طول زمان سبب به‌حاشیه رانده شدن هورام‌ها شدند (مکنزی ۱۹۶۱: ب: ۸۶)، (مکنزی ۱۹۸۹) و (ادموندز ۱۹۵۷: ۱۲).

به تدریج و در طول زمان این اختلاط هورام و کرد (آساطوریان ۱۳۷۴: ۳۳) سبب تغییر زبان بیشتر هورام‌ها شد (لیزنبرگ ۱۹۹۲: ۱۵؛ محمودیسی و همکاران ۲۰۱۱: ۴).

هورامی از قرن ۱۴ تا ۱۹ میلادی به مدت پنج قرن، زبان غالب منطقه و زبان نوشتاری امارت اردلان به مرکزیت سنندج کنونی و نیز شاعران دربار امارت بابان به مرکزیت سلیمانیه در عراق، رقیب اردلانین، بوده است. به علاوه هورامی زبان متون مقدس اهل حق یعنی «یارسان» است. بنابراین از ارزش و منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بوده است (لیزنبرگ ۱۹۹۲: ۷، ۱۷؛ محمودیسی و همکاران ۲۰۱۱: ۲؛ یارشاطر ۱۳۳۶: ۳۵).

نگارنده در راستای تأیید ادعای مکنزی و ادموندز، شواهد زیر را ارائه می‌دهد: ۱) عدم

پیوستگی کنونی برخی از هورام‌ها از نظر جغرافیایی و پراکندگی آنها در مناطق کردنشین: تعدادی از هورام‌ها هم‌اکنون در جاهایی سکونت دارند که اطراف آنها را مناطق کردنشین فرا گرفته است از جمله روستای «قلعه» در شهرستان قروه از توابع استان کردستان، کندوله (در شمال کرمانشاه و تله‌هدشک)، دهکده گوران، یکی از بخش‌های مهم شهرستان شاه‌آباد غرب در شمال باختری شاه‌آباد غرب و شمال بخش کِرِنَد در استان کرمانشاه و گهواره، بزرگ‌ترین ده این منطقه با ۲۰۰۰ نفر جمعیت، گوراجوب در غرب شهرستان دالاهو در استان کرمانشاه، منطقه گوران در غرب شهرستان دالاهو در استان کرمانشاه و روستای زَرَدَه، صَحْنَه، کِرِنَد، بیونِیچ و اَفشار در کرمانشاه، منطقه زَنگَنَه و کاکه‌ای در کرکوک عراق، منطقه قصرشیرین، دَهَاب، بَن‌کوره و قوره‌تو در شمال شهرستان خانقین عراق، شهرستان موصل در عراق، روستاهای علی‌رَش، یَنگِیجَه، خَزَنَه، تَلَازَه و غیره در شمال موصل عراق، و غیره (سجادی ۱۳۹۴: ۵۰). این مسئله یادآور گفته مکنزی (۱۹۶۶: ۳) است که می‌گوید: «هورامی جزیره‌ای در دریای کردی است». جزیره قبل از آنکه در دریا محصور شود خشکی بزرگی بوده است که آب به مرور زمان آن را احاطه کرده است. به عبارت دیگر، جزیره از نظر زمانی و تاریخی بر دریا تقدم دارد. ۲) هورامی بودن اسم مکان‌ها از جمله روستاها و شهرهای کردنشین و نیز اسامی خاص افراد مانند: ۱) «Satvava: سروآباد»، شهری در استان کردستان، ۲) «Hatizava: هلیزآباد» و ۳) «Kargava: کرگ‌آباد»، روستاهایی در شهرستان دهگلان در استان کردستان، بیشتر اسامی روستاهای شهرستان مریوان، اسم خاص افراد مثل: ۴) «ferko: شیرکوه»، «Kosar: کوهسار» و غیره. همه این اسامی واژه‌های اصیل هورامی هستند. ۳) کوهستانی و صعب‌العبور بودن بیشتر مناطق هورام‌نشین که نشان‌دهنده به حاشیه رانده شدن هورام‌ها پس از ورود کردهاست. این پراکندگی کنونی هورام‌ها، هورامی بودن اسم مکان‌ها و اسم اشخاص و نیز کوهستانی و صعب‌العبور بودن مناطق هورام‌نشین نشان می‌دهد که هورام‌ها

۱. satvi واژه‌ای هورامی به معنی «سرو» است، معادل کردی آن sawt است.

۲. hatiza واژه‌ای هورامی به معنی «مشک» است، معادل کردی آن mafka است.

۳. karga واژه‌ای هورامی به معنی «مرغ» است، معادل کردی آن mamər/mərifk است.

۴. ko واژه‌ای هورامی به معنی «کوه» و معادل کردی آن kef/kew است. اگر این اسامی کردی می‌بودند باید از معادل کردی آنها استفاده می‌شد.

ساکنان اولیه این منطقه بوده‌اند که پس از ورود کردها به حاشیه رانده شده‌اند و کردها به تدریج جای آنها را گرفته‌اند. به علاوه، اسناد تاریخی کشف شده در منطقه هورامان و ادبیات غنی هورامی (سجادی ۱۳۹۴: ۲۶، ۳۰) که نظیر آنها در میان کردها دیده نمی‌شود شاهد قوی دیگری بر قدمت این منطقه و ساکنانش است.

همه این موارد سبب شده است که هورامی تأثیراتی بر کردی در سطوح متفاوت زبانی به‌ویژه در واژگان داشته باشد (لیزبرگ ۱۹۹۲: ۱۴)، به گونه‌ای که کردی در زمینه واژگان قرض‌گیری گسترده‌ای از هورامی داشته است تا حدی که در نگاه نخست به نظر می‌رسد این دو گونه تشابهات زیادی با هم دارند و برخی را بر آن داشته است تا بدون بررسی همه‌جانبه موضوع به این نتیجه برسند هورامی زبان، گویش یا لهجه‌ای از کردی است.

۸. نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف بررسی زبان، گویش یا لهجه بودن هورامی و جایگاه آن در میان زبان‌های ایرانی، به‌ویژه ارتباطش با کردی، به نگارش درآمده است. در این راستا، از آرای صاحب‌نظران و زبان‌شناسان بنام و نیز شواهد زبان‌شناختی و تاریخی بهره گرفته شده است. در پایان نتایج زیر به‌دست آمد:

(۱) با توجه به اینکه الف) تفاوت‌های برجسته و زیادی در سطوح متفاوت زبانی از جمله نظام واجی و آوایی، ساختوازی، نحوی و واژگانی بین هورامی و کردی وجود دارد، همین امر امکان تفاهم متقابل بدون آموزش آگاهانه را بین گویشوران این دو گونه از بین می‌برد. همچنین تفاهم متقابل بدون آموزش آگاهانه مهم‌ترین ملاک تمایز زبان از گویش است و میان گویشوران هورام و دیگر گونه‌ها به‌ویژه کردی این تفاهم وجود ندارد، ب) میان مفاهیم زبان، گویش و لهجه رابطه‌ای سلسله‌مراتبی و دال و مدلولی وجود دارد و تصور گویش و لهجه بدون تعلق آنها به مجموعه بزرگ‌تری به نام زبان ممکن نیست و هورامی خود دارای گویش‌هایی است که هرکدام از آنها شامل لهجه‌هایی هستند، ج) دیدگاه بیشتر صاحب‌نظران و زبان‌شناسان مشهور، زبان بودن هورامی و عدم تعلق آن به زبان کردی را تأیید می‌کند، د) نگرش خود گویشوران در این

رابطه با رایج بودن اصطلاحاتی مانند «هورامی و کردی» و «هورام و کرد» در میان آنها با معنی ضمنی جدایی و استقلال این دو گونه از هم، عدم تعلق آنها را به یکدیگر را نشان می‌دهد، ه تشابه واجی و واژه‌های همزاد در واژه‌های مربوط به عناصر معمول و همگانی که یکی از راه‌های بررسی ارتباط خویشاوندی میان دو یا چند گونه است در بین هورامی و کردی وجود ندارد، این نتیجه به دست می‌آید که: الف) بدون شک هورامی یک زبان مستقل است و ب) هیچ ارتباط و تعلق به زبان کردی ندارد.

۲) نظر به اینکه هورام‌ها ساکنان اولیه، اصلی و کنونی غرب فلات ایران یعنی جایی که امروزه به اصطلاح «کردستان» نامیده می‌شود بوده و هستند، بنابراین براساس طبقه‌بندی تاریخی و گویش‌شناختی زبان‌های ایرانی، هورامی یکی از زبان‌های ایرانی نو شاخه غربی شمالی است درحالی که کردی غربی جنوبی است. ویژگی‌های زبان‌شناختی هورامی و کردی و مقایسه آنها با ویژگی‌های زبان‌شناختی زبان‌های ایرانی غربی شمالی و غربی جنوبی و نیز دیدگاه افرادی مانند گونتر و پاول مؤید این ادعاست.

۳) آنچه باعث شده است برخی هورامی را زبان یا گویشی از کردی بدانند صرفاً این بوده است که هورام‌ها و کردها از نظر جغرافیایی در یک منطقه ساکن‌اند و شباهت‌هایی بین این دو گونه به‌ویژه در واژگان ناشی از قرض‌گیری گسترده کردی از هورامی وجود دارد، غافل از اینکه هورام‌ها ساکنان اولیه منطقه بوده‌اند و کردها بعدها به آنها پیوسته‌اند و بدین ترتیب اختلاط هورام و کرد به وجود آمده است، و نیز هورامی تا دو سده اخیر زبان غالب و نوشتاری منطقه بوده است و لذا از منزلت و ارزش اجتماعی بالایی برخوردار بوده که این انگیزه قرض‌گیری کردی از آن در سطوح متفاوت زبانی، به‌ویژه واژگان، بوده است.

۴) وجود ویژگی‌های برجسته و منحصر به فرد در هورامی در سطوح متفاوت زبانی که کردی فاقد آنها است علاوه بر اینکه حاکی از استقلال و جدایی این دو گونه از همدیگر است، بیانگر ارتباط و پیوند هورامی با زبان‌های ایرانی باستانی از جمله فارسی باستان و اوستایی نیز هست چرا که تقریباً همه این ویژگی‌ها در زبان‌های ایرانی باستان هم وجود داشته‌اند.

منابع

- آراتو، آنتونی، ۱۳۷۳، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس، تهران.
- آساطوریان، گارنیک، ۱۳۷۴، «قوم گوران»، ترجمه ماریا آیوازیان، نشریه علوم انسانی ایران‌شناخت، ش ۱، ص ۳۱-۶۴.
- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۸۸، تاریخ زبان فارسی، تهران.
- _____، ۱۳۸۹، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران.
- أرانسکی، ای. م.، ۱۳۷۹، مقدمه فقه‌اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران.
- _____، ۱۳۸۶، زبان‌های ایرانی، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران.
- باطنی، محمدرضا، ۱۳۸۷، مسایل زبان‌شناسی نوین، تهران.
- بروین‌سن، مارتین‌وان، ۱۳۷۸، جامعه‌شناسی مردم‌گرد (آغا، شیخ و دولت)، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران.
- بلو، جوینس، ۱۳۸۳، «گورانی و زازا»، راهنمای زبان‌های ایرانی، ج ۲، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضائی باغ‌بیدی، تهران، ص ۵۵۵-۵۶۲.
- بی‌جن‌خان، محمود، ۱۳۹۲، نظام آوایی زبان فارسی، تهران.
- تابانی، حبیب‌الله، ۱۳۸۰، وحدت قومی کرد و ماد، منشأ، نژاد و تاریخ تمدن کردستان، تهران.
- دبیرمقدم، محمد، ۱۳۸۷، «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی»، مجله ادب‌پژوهی، ش ۵، ص ۹۱-۱۲۸.
- _____، ۱۳۹۲، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، ج ۲، تهران.
- رُخزادی، علی، ۱۳۹۰، آواشناسی و دستور زبان کردی، سنندج.
- زکی‌بیگ، محمدمامین، ۱۳۸۸، زبده تاریخ کرد و کردستان، ترجمه یدالله روشن‌اردلان، ج اول، تهران.
- سجادی، سید مهدی، ۱۳۹۴، جنس دستوری در زبان هورامی، مریوان.
- _____، ۱۳۹۵، «تکیه و نقش‌های آن در زبان هورامی»، زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی، س ۱، ش ۲، ص ۱۶۱-۱۷۱.
- سجادی، سید مهدی و کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه، ۱۳۹۳، «فرایندهای واجی همخوانی در واژه‌های مشترک بین زبان فارسی معیار و زبان هورامی (گویش هورامان تخت)»، فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، س ۱، ش ۴، ص ۷۳-۱۰۰.
- طیبی، حشمت‌الله، ۱۳۷۵، زبان، مندرج در کتاب تحفه ناصری، میرزا شکرالله سنندجی، تهران.
- _____، ۱۳۸۸، مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، تهران.
- فروه‌وشی، بهرام، ۱۳۵۳، «زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۸۲، ص ۴۱-۵۱.
- کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو و سید مهدی سجادی، ۱۳۹۲، «ساخت هجا در زبان هورامی (گویش هورامان

تخت)، «فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، س ۱، ش ۲، ص ۵۷-۷۸.
کریمی‌دوستان، غلامحسین، ۱۳۸۱، «ساختمان هجا در زبان کردی»، مجله علوم انسانی دانشگاه فردوسی
مشهد، س ۳۵، ش ۱ و ۲ (پیاپی ۱۳۶ و ۱۳۷)، ص ۱-۱۰.
مدرسی، یحیی، ۱۳۹۱، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران.
معین، محمد، ۱۳۷۶، فرهنگ فارسی معین، ج ۵، تهران.
نقشبندی، شهرام، ۱۳۷۵، نظام آوایی گویش هورامی (گونه پناه) از دیدگاه واج‌شناسی زایشی و واج‌شناسی جزء
مستقل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
یارشاطر، احسان، ۱۳۳۶، «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران،
س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۱-۴۸.

Benedictsen, A. M., and Christensen, A., 1921, *Les dialects de Awromān et de Pāwā*,
København.

Edmonds, C. J., 1957, *Kurds, Turks and Arabs*, London.

Gunter, M. M., 2003, *Historical Dictionary of the Kurds*, Lanham.

Holmberg, A., Odden D., 2004, "Ergativity and Role-making in Hawrami", *The Syntax of
the World's Languages*, Germany, pp. 1-10.

Leezenberg, M., 1992, "Gorani Influence on Central Kurdish: Substratum or Prestige
Borrowing?", Conference on Bilingualism in the Iranian World, Germany, pp. 1-20.

Mackenzie, D. N., 1961a, *Kurdish Dialect Studies I*, London.

—————, 1961b, "The Origins of Kurdish", *Transactions of the Philological Society*, pp.
68-86.

—————, 1966, *The Dialect of Awroman (Hawrāmān – ī Luhōn): Grammatical*,
København.

—————, 1989, "The Role of the Kurdish Language in Ethnicity", *Ethnic Groups in the
Republic of Turkey*, ed. P. A. Andrews, Wiesbaden, pp. 541-542.

Mahmudweyssi, et al., 2011, *The Gorani Language of Gawraǰū, a Village of West Iran:
Texts, Grammar, and Lexicon*, Wiesbaden.

McCarus, E. N., 2009, "Kurdish", *The Iranian Languages*, ed. G. Windfuhr, London, pp.
587-633.

Minorsky, V., 1920, "Notes sur la secte des Ahle – Haqq", *revue du monde musulman*, 40-
41, pp. 19-97.

—————, 1943, "The Gūrān", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*,
Part 1, pp. 75-103.

Paul, L., 2003, "The Position of Balochi among Western Iranian Languages: The Verbal
System", *The Baloch and Their Neighbours*, ed. C. Jahani and A. Korn, Wiesbaden, pp.
61-71.